

## بررسی و نقد آرای فرقه دروزیه

محمد انصاری<sup>۱</sup>، مژگان انصاری دوگانه<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استاد گروه کلام شیعه، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، قم، ایران

<sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد فرق تشیع، دانشگاه غیر انتفاعی - غیر دولتی ادیان و مذاهب قم

---

### چکیده

فرقه دروزیه انشعابی از اسماعیلیه است که در مصر و در سده ۵ هجری بر اساس اعتقاد به الوهیت الحاکم بامر الله ششمین خلیفه فاطمی شکل گرفت. اصلی ترین اعتقاداتشان به روایت از مهمترین کتابشان یعنی «رسائل الحکمه» عبارتند از: خلقت و حدود دعوت، الوهیت قائل شدن برای حاکم، تقمص، قیامت، غیبت و رجعت و نسخ ادیان و شرایع و نیز احکام فقهی و اخلاقی. این تحقیق به روش کتابخانه ای تهیه و طی آن تلاش شده است با تبیین باورهای زیر بنایی دروزیان و با استناد به ادله عقلی و نقلی به نقد آرای ایشان بپردازد. از مجموع بررسی های به عمل آمده می توان نتیجه گرفت علمای امامیه غلو را مردود دانسته و غالیان را مورد نکوهش قرار داده اند. عقاید مطروحه ایشان هر چند امروزه از آن تقیه می نمایند مغایر با اصول دین اسلام است.

**واژه های کلیدی:** دروزیه، الوهیت، تقمص، نسخ ادیان، حدود دعوت، حاکم بامرالله.

---

## مقدمه

از مهم ترین شاخه های اسماعیلیه می توان به فرقه دروزیه اشاره نمود که در قاهره و در دوران خلافت الحاکم بامرالله شکل گرفت. نامشان ریشه در کلمه «دروز» به معنی خیاط و به روایتی از نام شهری در خراسان گرفته شده است. ادعاهای عجیب و تعارضات شدید در نظریات و پنهان کاری های خاص بزرگان این فرقه موجب جلب توجه همیشگی دانش پژوهان و مورخین بوده است.

اگر چه پیرامون تاریخچه، آراء و عقاید دروزیان تحقیقات متعددی صورت پذیرفته ولی اثری از نقد عقاید این فرقه از منظر امامیه مشاهده نمی شود.

لذا در این مقاله تلاش شده است با رجوع به آیات و روایات و نظر علمای امامیه به نقد عقاید اصلی این فرقه بپردازیم و به این سوال اصلی پاسخ داده شود که آیا عقاید و باور های دروزیه مورد تایید امامیه می باشد یا خیر؟ آنچه ضرورت این بررسی را دو چندان می کند شبهاتی است که نشأت گرفته از انحرافات فکری بزرگان فرقه دروزیه بوده که آنان را به دیدگاههای شیعه نسبت می دهند.

## پیشینه

اولین پژوهشها در باب دروزیه به قرن ۵ هجری قمری و زمان پیدایش و ظهور این فرقه بر میگردد. اولین اقدام پژوهشی در مورد پراهمیت ترین کتاب ایشان یعنی رسائل الحکمه در قرن ۱۹ در لبنان با نام «سلسله الحقیقه الصبغه» به تحریر درآمد و سپس محمد احمد خطیب، کتاب عقیده الدرور را نوشت که در ریاض نشر دارالعالم در سال ۱۹۸۹ به چاپ رسید. از مهمترین پژوهشهای حاضر باید از کتاب خانم نجلا ابوعزالدین ترجمه احمد سخایی، مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۲، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب نام برد.

۱. تحقیق جدید در تاریخ مذهب و جامعه دروزیان- نجلا ابوعزالدین - مشهد - آستان قدس - ۱۳۷۲ - بنیاد پژوهش های اسلامی.

شناساندن عقاید دروزیان در دامنه گسترش تشیع در شکل اسماعیل - فاطمی و نیز توضیح نقش برجسته جامعه دروزی در تاریخ لبنان و سوریه است. به مقوله هایی چون سابقه ی نژادی و تاریخی و اصول دین و اخلاقی، موطن جامعه دروزی پرداخته است.

۲. مقاله دروزیها که در تاریخ نوشته م طیب گوکپلین - نشر کیهان اندیشه - ش ۳۳ - ۱۳۶۹ به موضوعات، فرق اسلامی، باطنیان - عقاید و تاریخچه ی دروزیه و بررسی عقاید پیدایش آن پرداخته است.

۳. کتاب موحدون الدرور بین فتاوی ابن تیمیه و فقهاء الذم - تبیه محمود سعدی - نشر دارالعلم - دمشق - ۱۹۹۵ به موضوع دین و عقلانیه و علمانیه - دیدگاهها و سرگذشت.

۴. کتاب مذهب الدرور و التوحید - عبدالله نجار - نشر دار المعارف قاهره ۱۹۹۵ به موضوعات فرق و مذاهب - تشکیل حکومت و اصول عقاید و مبانی حکومتی دروزی پرداخته است.

۵. کتاب نظام الموحدین الدرور الاجتماعی فی کل الاحکام - سلمان احمد تقی الدین - نشر بی جا - سال ۲۰۰۰ به موضوع فرق، عقاید و مذاهب دروزی - دیدگاههای فقهی و قضایی پرداخته است.

۶. کتاب تاریخ المسلمین الموحدین الدرور - صالح زهرالدین - نشر بیروت - ۱۹۹۴ به پیدایش آراء و عقاید فرق شیعه و دروزیها

۷. مقاله دروزی ها - دایره المعارف جدید جهان اسلام - ربرت برینتون - ترجمه دروز - ۳۸۸-۳۸۹ به مذهب دروز - عصر خلافت فاطمیون در قاهره.

نگاهی به تاریخچه تاسیس، افکار آنان و وجوه تمایز شان از اسماعیلیه و نیز نگاهی آماری به جمعیت و پیروان آن در سراسر جهان پرداخته است.

۸. مقاله دروزیه - دایره المعارف تشیع - علی رفیعی غلامرو درشتی ۱۳۲۰  
توجه وی به تاریخچه - عقاید - رهبران و آثار آنان در گسترش فرقه مذکور پرداخت است.  
او می گوید حمزه بن علی یکی از بنیانگذاران این فرقه است. راستگویی، حفظ برادری از هفت ستون اعتقادی آنان است.
۹. دروز - دایره المعارف اسلام - ص ۶۲۱ به طایفه های موجود در سوریه و لبنان و نیز شاخه های اسماعیلیان پرداخته و به مسائل کلامی عقاید ایشان اشاره کرده است.
۱۰. مقاله مداحان دروز - مرسل نصر - نشریه هفت آسمان - ۱۳۷۸
۱۱. کتاب دروز و الموازنه - تحت الحکم الزکی محاسنه ۱۸۴۰-۱۸۶۰ نوشته کولونیل تشارلز - ترجمه جاک مبارک - نشر دار الحرخاطر لبنان - نشر ۱۹۸۶
- به تاریخ حکومت عثمانی در لبنان - سلسله حاکمان دروزی و جنگها و وقایع تاریخی آنان پرداخته است  
البته در تحقیق حاضر تلاش شده است که به نکات تاریخی که تا کنون به آن پرداخت نشده از جمله انحرافات فکری و عقیدتی فرقه ها و بررسی میزان انحراف آراء و عقاید این فرقه با نظرات بزرگان دین مبین اسلام توجه و مورد نقد قرار گیرد.

### تاریخچه

برای دانستن خاستگاه دروزیان باید در گذر تاریخ پیش رفت، آنگاه که پس از ارتحال پیامبر خدا و مسلمانان بخصوص انصار و مهاجرین در سقیفه بنی ساعده گرد هم آمدند و ابوبکر را برگزیدند و تفرقه بین مسلمانان آغاز شد. فرقه بندی ها آرام آرام شکل گرفت تا اینکه عده ای مرگ فرزندان امام صادق (ع) را باور نداشته و چه عده ای که پس از مدتی باور کردند و رجعتش را امیدوار شدند این گروه اسماعیلیان بودند که پیامبر(ص) را و از امامان تا امام صادق (ع) را پذیرفتند. تا اینکه گروه جدیدی از اسماعیلیان در مصر قلمرو ی بر پا نهادند بنام فاطمیان و قدرتی عظیم بهم زدند چنانچه توانستند بخشی از اروپا و آفریقا و سراسر ایران و شامات را زیر قلمرو حکومتی خویش در آوردند که ششمین خلیفه آنان شخصیتی بنام الحاکم بامر الله می باشد، وی چون در سنین نوجوانی به حکومت رسید دست به انجام کارهای خاص می زد بین مردم دارای احترام ویژه ای شد. در نتیجه گروهی را تشکیل دادند به نام فرقه یا گروه که از دسته غلات بشمار می روند.

پس از ناپدید شدن الحاکم در سال ۱۰۲۱/۴۱۱ و اتفاقات پس از آن حمزه و مقتنی روی کار آمدند و سر انجام در سال ۱۰۴۴/۴۳۶ اعلام عدم تبلیغ آیین این فرقه اعلام شد و به دنبال آن ورود به این فرقه ممنوع گردید و در نتیجه این جامعه از آن پس بسته ماند. در واقع کسی را به کیش خویش راه ندادند. (نصر، ۱۴۱۷: ۸۵)

فرهنگ ایشان عربی و تحصیلات آنان در گذشته همان تعلیمات سنتی عربی بوده و در حوادث مهم تاریخ عرب همچون جنگ با صلیبان و نیز در انقلاب سوریه در سال ۱۹۲۰ حضوری پر رنگ داشتند.

امروزه اکثر دروزیان در جنوب لبنان و سوریه زندگی می کنند و از سران مذهبی اصلی آن شیخ نعیم حسین در لبنان و رهبر سیاسی شان جناب کمال جنبلاط در لبنان می باشند.

**وجه تسمیه:** در معنی واژه دروز معانی مختلفی ذکر شده است که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد:

۱- برخی آن را در اصل فارسی و به معنای تمکن و بهره مندی از نعمات دنیوی دانسته اند و درز را به نعیم ترجمه کرده اند (ایمانی، ۱۳۸۰: ۵۴۶).

۲- برخی آن را منصوب به فردی به نام انوشکین درزی که مرتد شده بود می دانند (همان: ۵۴۶).

۳- بعضی به معنای شکاف و رخنه و بعضی نیز آنرا منسوب به کشاورزی در مصر به نام درزی بیان نموده اند.

### بخش ۱:

#### آراء و عقاید اصلی دروزیه:

**۱-۱- خدانشناسی و الوهیت الحاکم:**

مهمترین عقیده دروزیان بحث الوهیت الحاکم می باشد که مفهوم آن از این قرار است، خداوند همان حاکم با امر الله است . اعتقاد به حلول خداوند در جسم الحاکم که به آن حلول لاهوت در ناسوت تعبیر می شود .

در مقدمه ای که در رسالات معمول است چنین می خوانیم : «به پروردگار متعالی توکل می کنم که با اندیشه و تفکر نمی توان ذات او را درک کرد، ذاتی که تصور اندیشه عاجز از درک اوست ،خداوند هستی مطلق است . او خود خویش است و قائم به ذات خود . این بی نیازی اساس وحدت اوست شناخت یگانگی خداوند، بدون جستجو در ذات احدیتش، شالوده ایمان یک مومن را تشکیل می دهد». (حمزه، ۱۹۸۶: ۹)

بهاءالدین معتقد است « اقرار به توحید والا ترین هدف، گرانبها ترین گنج و اصیلترین وصال است . اقرار به توحید است که زمین و آسمان را بر پا می دارد. (همان، ۱۹۸۶: ۵۸) و اکنون باید دانست که منظور الوهیت الحاکم چیست و آیا آنان معتقد به خدای واحد، صمد هستند که نه زاده شده و نه میزاید یا مفهوم دیگری را از اعتقادات خودشان طلب می کنند. چنانچه در رساله از قول حمزه می خوانیم: « حمد و سپاس مولایمان را - سبحانه - که یگانه است و او را شریکی نیست و سلام او بر ما و تحیات او قرین ما و برکات او بر ما و همه بندگان صالح او باد و او خوب و کیلی است و مولایمان را در گرفتاری و در گشایش سپاس و ستایش . این کتاب در ماه صفر سال ۴۰۸ هـ ق به حضور مقام لاهوت عرضه شد یعنی در اولین سال ظهور بنده و برده مولایمان، همان که هدایتگر گروندگان است و با شمشیر مولایمان - جلّ ذکره - که شریکی ندارد و معبودی جزء او نیست ، از مشرکان انتقام می گیرد» (حمزه، ۱۹۸۶: ۶۵)

دروزیان اعتقاد دارند که خدای واحد برای آخرین بار آشکارا در شخص الحاکم بامر الله متجلی شده است و نباید کسی را در پرستش الحاکم شریک کرد (حمزه، ۱۹۸۶: ۱۴۲)

**۱-۲- قیامت :**

عقیده دروزیان به روز واپسین صرفاً سیر تکاملی روح آدمی است . لذا موضوع حیات و رستاخیز از نظر آنان مفهومی بهبودی است. در اندیشه ایشان روز قیامت مرحله ای از مراحل کمال روح است. قیامت روزی است که توحید فراگیر شود و موحدان به کفر و شرک پیروزی یابند و تقمص به پایان رسد. ثواب و عذاب نیز صرفاً بر اساس میزان تکامل روح و اتصالش به عقل کلی است و لا غیر.

آنان یکی از نشانه های روز موعود تسلط مسیحیان و یهودیان بر شهرها و تسلیم شدن مردم بر فساد و پستی و اشغال فلسطین به دست یهودیان و حکومت فردی فاسد از نسل امامت است . به عقیده دروزیان روز آخرت همان روز قیامت نیست و قیامت به معنی فرا گیر شدن توحید و پیروزی توحیدیان بر کافران و مشرکان است. و در آنجاست که تقمص پایان می یابد برخی بر این باورند که این رخداد در جمادی یا رجب به وقوع خواهد پیوست و حاکم بامر... در جوار رکن یمانی ظهور خواهد نمود و سپس قدرت را به حمزه بن علی تحویل خواهد داد و او نیز پس از مبارزه و پیروزی شمشیر را به محمد بن وهب خواهد سپرد و او کعبه را منهدم و به کشتار مسلمانان و مسیحیان خواهد پرداخت و هر کدام از حدود یکی از فرماندهان سپاه او خواهند شد . پس از فتح مکه مردم به ۴ گروه تقسیم می شوند:

۱- موحدان که عاقلان دروزند

۲- اهل ظاهر که مسلمانان و یهودیانند

۳- اهل باطن که مسیحیان و شیعه اند

۴- مرتدان که جاهلانند» (دفتری، ۱۳۸۱: ۵۷۵)

آنگاه حمزه به جز پیروان خود برای هر گروهی عذابی تعیین نموده و مبلغی به عنوان خرید مقرر می کند تا سالیانه با ذلت از آنان دریافت شود

دروزیان بهشت را رسیدن به توحید و جهنم را شرک به خدا می دانند و در حقیقت مادی بودن بهشت و جهنم را نفی می کنند .

« سر انجام وقتی که الحاکم و حمزه ظهور کنند و دنیا را فتح نمایند و حکومت عدل و قانون بنا کنند آن عده که اعمال صالح انجام داده و هر دروزی که صالح تر باشد به خدا نزدیک تر خواهد شد و بر کل دنیا حکومت خواهد کرد» . (گوکلبیلگن، ۱۳۶۹: ۱۳۷) .

### ۳-۱- نسخ ادیان و شرایع:

به عقیده دروزیان بحث نبوت و پیامبران موضوعیتی نداشته و این فرقه نبوت را منکر می باشند . بزرگان این فرقه ستیز با پیامبران اولوالعزم را نسخ شریعت دانسته و آنرا عقاید مسلم واجب هر دروزی می دانند و بر این اصل معتقد هستند که در آخرت پیامبر و حضرت علی (ع) بوسیله الحاکم بامرالله کشته خواهد شد . «در برخی از مدارک آنها آمده است که مراد از ناطق و اساس که به دست حمزه در کنار رکن یمانی کشته می شوند. ابلیس و شیطان است . ابلیس نعوذ بالله نخست در جسم آدم تجلی کرد و سپس نوح و ابراهیم موسی و عیسی و محمد (ص) و شیطان ابتدا در جسم شیث و سپس به ترتیب در سام، اسماعیل، یسوع، شمشون و سر انجام در علی ابن ابی طالب ظهور یافت . ونیز در اسناد دروزیان آمده است که به هنگام بر پایی قیامت دروزیان، پیامبر(ص) و امیرالمومنین(ع) به دست الحاکم بامرالله کشته می شوند» (خطیب، ۱۹۸۹: ۱۶۷) هم چنین اینان عقیده دارند که قرآن مجید که خداوند بار اول در کوه نور (غار حرا) بر پیامبر نازل کرد در واقع بر سلمان فارسی نازل شده است و سلمان آن را بر پیامبر قرائت کرده است .

### ۴-۱- تقمص:

تقمص از ریشه قمص است. مرد پیراهن پوشید. ت الروح: روح از جسمی به جسم دیگر منتقل شد. (راغب، ۱۴۱۲: ۱۶۵) این عقیده پیروان مذهب تناسخ ارواح است که از سدهای به جسد دیگر منتقل می شوند در حقیقت اعتقاد دروزیان به تقمص همان عقیده به تناسخ است. تناسخ به دو معنای عام و خاص وجود دارد که معنای عام آن انتقال روح پس از مرگ به کالبد نطفه ی انسان که به آن نسخ گویند و به نطفه ی حیوان که آنرا فسخ نامیده و حلول آن در نبات را فسخ و به جمادات را رسخ می نامند. دروزیان این باور را از فرهنگ هندی و یونانی کسب نموده اند و آنرا بخوبی قبول داشته و به راحتی در مجامع عمومی مطرح می کنند. دروزیان بر این باورند که روح جاودانه است و پس از مرگ این جسم است که مدفون می شود و روح به کالبد انسان تازه متولد شده ی دیگری حلول می کند. و برای تایید این ادای خویش آیات قرآن کریم را شاهد مثال می آورند که از آن جمله [آیه های ۲۸ و ۵۶ و ۲۴۳ سوره ی بقره و آیه ی ۶۶ سوره ی حج و آیه ی ۱۱ سوره روم می باشد]. آنان معتقدند که روح به یکباره خلق شده با تعداد مشخص و معین و کم و زیاد نمی شود. و چون معتقدند که ارواح مشترک به تن کالبدهای مشترک می رود و ارواح مومن به تن انسانهای مومن می رود پس آنان نیز عضو جدید در گروه را نمی پذیرند. تا تغییری در این اعداد ایجاد نشود. البته در این انتقال روح مردانه به مردان و روح زنانه به کالبد یک زن رسوخ نموده و همچنین هرگز روح انسان به کالبد حیوان منتقل نمی شود. و همچنین امتحان و پاکی روح و رسیدن آن روح به کمال دانسته شده است. پس هدف اصلی در اعتقاد تقمص دروزیه کمال است حتی اگر انسان نتواند به این مرتبه برسد و یا به رتبه های پایین تکامل روح نزول هم بنماید آنان این اعتقاد را باور داشته و به آن تاکید کرده و آشکارا بیان می کنند. و همچنین دروزیان معتقدند:

« مسخ بر دو گونه است، افزون بر مسخ حقیقی به مسخ معنوی و مجازی نیز عقیده دارند. از این رو استاد عبدالله نجار می نویسد: فسخ در لغت تغییر شکل به صورتی بهتر است و این که خداوند گروهی را به شکل میمون فسخ کرده منظور فسخ مجازی و معنوی است. و مراد از آن تحقیر، سرزنش و نکوهش است، نه تغییر حسی. و بر اساس رسایل حمزه (بنیانگذار این فرقه) عذابی که برای گنهکاران است همین انتقال دنیوی از درجه ی بلندتر به مرتبه ی نازل تراست، هرچه این انتقال بیشتر ادامه یابد جایگاه دینی او فروتر گردد؛ چنان که پاداش نیز با انتقال از درجه ای به درجه ی فراتر در علوم دینی تحقق می یابد.» (نجار، ۱۹۶۵: ۶۱)

« از این رو ابتلای انسانها به کوری، لنگی، فقر و جهالت را قصاص اعمال گذشته آنان در مراحل پیشین حیات می دانند، چنان که معتقدند در تناسخ، تمایز جنس نیز رعایت می شود، یعنی روح مردان همواره به مردان و روح زنان به جنس خودشان منتقل می شود.» (همان، ۱۹۶۵: ۲۶۳)

### ۵-۱- خلقت و حدود دعوت:

پایه و اساس فکری دروزیان در خصوص خلقت بر پایه خلقت افلاکی و نو افلاطونی و با اندکی تغییر بنا شده است. «بر طبق تعالیم دروزی، خالق با البار به امر خود عقل کلی را از نور خویش آفرید و عناصر همه موجودات را در علم او به ودیعت نهاد و او را علت همه ی مخلوقات قرار داد. عقل کلی چون به خود نظر کرد و خود را بدون شبیه و ضد یافت دچار عجب شد و در این هنگام از او ضد صادر شد. عقل کلی دریافت که آزمایش شده است، پس از خدا آمرزش طلبید و از او خواست که وی را در مقابل ضد یاری کند. از این طلب آمرزش نفس کلی پدید آمد، اما هنگام خلقتش، همراه نور عقل، عناصر کوچکی از تاریکی نیز در او متجلی شد» (حمزه، ۱۹۸۶: ۱۳۲). از نور نفس کلی کلمه و از کلمه سابق یا جناح ایمن و از سابق تالی یا جناح ایسر صادر شد. سرانجام، از نور تالی زمین و آنچه در آن است و افلاک و بروج دوازده گانه و طبایع چهار گانه و هیولی پدید آمدند (همان، ۱۹۸۶: ۱۴۶).

و منبع اصلی این تفکر و اعتقادات این فرقه بر ۵ اصل استوار است که عبارتند از:

- ۱- عقل کلی
- ۲- نفس کلی
- ۳- کلمه
- ۴- جناح ایمن سابق
- ۵- جناح ایسر تالی.

اینان به مثابه یاران مقرب یا حواریون الحاکم می باشند. لذا حمزه با استفاده از اصل تجلی اعلام داشت که خداوند و صادرهای اولیه در انسانها تجلی می کنند و این بدین نحو بود که خداوند در الحاکم تجلی کرد و الحاکم آخرین تجلی خداوند است. و حمزه تجلی عقل کلی می باشد.

بر اساس تقسیم بندی ابن سیرین در مصادره العقیده می توان حدود خمسۀ دروزرا چنین ترسیم کرد:

«حدّ اول: عقل، عله العلل، قائم الزمان، اراده. او همان امام اعظم دروزیان حمزه بن علی بن احمد، دارای لقب هادی المستحییین است.

حدّ دوم: نفس، مشیّت، ادیس زمان، اخنوخ اوان، هرمس الهمرامسه، حجه الصفیه الرضیه، شیخ مجتبی ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد بن حامد تمیمی داماد حمزه بن علی است.

حدّ سوم: کلمه، سفیر قدرت، فخرالموحدین، بشیرالمومنین، عمادالمستحییین، شیخ رضی ابو عبدالله محمدبن وهب قرشی است.

حدّ چهارم: سابق، جناح راست، نظام المستحییین، عزّالموحدین، ابوالخیر سلامه بن عبدالوهاب سامری است.

حدّ پنجم: تالی، جناح چپ، لسان المومنین، سندالموحدين، معدن العلوم، شیخ بهاء الدین ابوالحسن علی بن احمد سموقی معروف به مقتنی و لقبش ضیف است. این حدود وزیران یا داعیان عالی رتبه الحاکم که تجسد پنج انبعاث کیهانی یا پنج اصل عالم علوی به شمار می روند. زیر این حدود پنج گانه به ترتیب داعی، مأذون، و مکاسر نقیب قرار دارد، که با سه اصل علوی جد، فتح و خیال منطبق است. تمام مؤمنان عادی تابع این حدودند» (ابن سیرین، ۱۹۸۵: ۱۶۶-۱۶۹).  
در نظام فکری دروزیان، بر خلاف فاطمیان، بین حدود علوی و سلفی دوگانگی وجود ندارد، بلکه حدود جسمانی همان حدود روحانی و علوی است نه مطابق آنها. (همان، ۱۹۸۵: ۶۵۳)

#### ۱-۶- غیبت و رجعت:

مهم ترین رکن دینی که اعتقادات فاطمیان را شکل می دهد، باور به مهدی و امام منصوب از جانب خداست. و از آنجایی که فاطمیان نتوانسته بودند در نحوه حکومت داری عدالت را بین همه مردم به خوبی اجرا کنند و چون مردم ناراضی از این مدل کشور داری بودند و پس از ظهور حکومت الحاکم و نحوه کشور داری ایشان مردم فکر کردند که وعده خداوند تحقق یافته الحاکم همان امامی است که قرار بود بیاید و جهان را پر از عدالت بکند.  
در سال ۴۰۳ ق داعیان الحاکم به مردم از ظهور قائمی خبر دادند و مردم را به سوی این اعتقاد که الحاکم جلوه خداست و امامت ذاتی الحاکم بوده و در حمزه بن علی تجلی پیدا کرده است سوق دادند. اینجا برای اولین بار بطور رسمی الوهیت الحاکم اعلام شد.

«حمید الدین کرمانی با طرح دلایل اثبات امامت الحاکم، به این امر توجه کرده است که اعتقاد به الوهیت الحاکم ریشه در آرزوی قائم و قیام و قیامت دارد. وی این نظریه را با ظهور الحاکم، قیامت رخ خواهد داد، به شدت رد می کند» (خطیب، ۱۹۸۹: ۱۴۵-۱۴۴)

حمزه مرگ الحاکم را غیبت او اعلام کرده بود، مقتنی نیز مرگ حمزه را غیبت او اعلام کرد و خود را واسطه بین امام غایب یعنی حمزه و پیروانش معرفی نمود و در نهایت خود نیز در سال ۴۲۵ نا پدید شد. اما تا ۹ سال بعد یعنی تا سال ۴۳۴ ق برای مردمش آغاز دوره انتظار قلمداد نموده و به این باور رسیدند که باید با صبر و تحمل برای بازگشت الحاکم به همراه حمزه منتظر بمانند.

#### بخش ۲:

- نظریات امامیه در ارتباط با عقاید و آراء دروزیه (نقد):

#### ۱-۲- الوهیت الحاکم و نظریه تجلی:

از نظر اسلام، یکی از شاخصه های اصلی هر مسلمانی اعتقاد واقعی به الوهیت الهی خداوند باری تعالی است و بر همین اساس بشر را صرفاً در جامه عمل پوشاندن به این آیه گرانقدر «لا اله الا الله» است. خداوند می فرماید: لا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَ رَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ هیچ معبودی جز او نیست زنده می کند و میمیراند او پروردگار شما و پدران نخستین شماست (دخان، ۸)

از نظر اسلام الوهیت، استحقاق ذات پروردگار است و لا غیر و هر که غیر این ادعا کند از دین خارج است. حتی خداوند متعال خلقت آسمانها و زمین را به خود نسبت می دهد و علت آن را شریک قرار ندادن برای خودش می داند.  
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ (آسمان ها و زمین را به حق آفرید او برتر است از اینکه همتایی برای او قرار می دهند. (نحل، ۳)

آیت الله مصباح می فرماید: «... کسی که شایستگی عبادت و اطاعت را دارد همان کسی است که خالق و ربّ ایشان باشد و این حدّ نصاب اعتقادی است که می بایست هر کسی درباره خداوند متعال داشته باشد. یعنی علاوه بر اینکه خدا را واجب الوجود و

آفریدگار و صاحب اختیار جهان می شناسد باید او را شایسته عبادت و اطاعت نیز بداند و به همین جهت این مفهوم شعار اسلام (لا اله الا الله) اخذ شده است». (مصباح، ۱۳۷۷: ۸۵)

الوهیت که به آن توحید عبادت نیز گفته می شود و مراد آن است که انسان تمام عبادات را فقط برای خدا بجای آورد، چون فقط او شایستگی پرستش را دارد و غیر از آن هیچ کس ولو منزلت والای دینی یا دنیایی باشد را ندارد. و این همان توحیدی که خداوند متعال به خاطر آن تمام پیامبران را بسوی امتهایشان مبعوث داشته است. و قرآن نیز گواهی می دهد:

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ وَ بِهِ رَاسْتَىٰ نُوحٌ رَا بَهِ سَوَىٰ قَوْمِش فَرَسْتَادِيم [گفت] من برای شما هشدار دهنده ای آشکارم أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ أَلِيمٍ (هود، ۲۶).

و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم [گفت] من برای شما هشدار دهنده ای آشکارم که جز خدا را نپرستید زیرا من از عذاب روزی سهمگین بر شما بیمناکم و در جایی دیگر می خوانیم وَ إِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُفْتَرُونَ (هود ۵۰) و به سوی قوم [قوم] عاد برادرشان هود را [فرستادیم هود] گفت ای قوم من را بپرستید جز او هیچ معبودی برای شما نیست شما فقط دروغ پردازید.

و نیز در پیام به قوم ثمود (وَ إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ) (هود، ۶۱) و به سوی قوم [قوم] ثمود برادرشان صالح را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را بپرستید برای شما هیچ معبودی جز او نیست او شما را از زمین، پدید آورد و در آن شما را استقرار داد پس از او آمرزش بخواهید آنگاه به درگاه او توبه کنید که پروردگارم نزدیک [و] اجابت کننده است.

و خداوند از قول موسی فرمود: («قَالَ أَعْبُدُوا اللَّهَ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي قُلُوبِكُمْ») (اعراف، ۱۴۰) گفت آیا غیر از خدا معبودی برای شما بجویم با اینکه او شما را بر جهانیان برتری داده است و از قول عیسی فرمود: (إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ) (آل عمران) در حقیقت خداوند پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستید [که] راه راست این است.

و پیامبر خداوند به اهل کتاب («قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ») (آل عمران ۶۴) بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد پس اگر از این پیشنهاد اعراض کردند بگوئید شاهد باشید که ما مسلمانییم.

و به عموم انسانها فرمود (يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (بقره، ۲۱) ای مردم پروردگارتان را که شما و کسانی را که پیش از شما بوده اند آفریده است پرستش کنید باشد که به تقوا گرایید.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می فرماید:

از آیات چنین برداشت می شود که تمام انبیا و رسل به این خاطر به پیامبری مبعوث شده اند، تا امتهای خود را بسوی توحید الوهیت دعوت نمایند و آنها را از شریک قرار دادن برای الله تعالی در عبادت بر حذر دارند.

چنانچه الله تعالی می فرماید: («وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ») (نحل ۳۶) و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم [تا بگوئید] خدا بپرستید و از طاغوت [=فریبگر] بپرهیزید. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۶/۱۱).

با این توضیحات مشخص می شود هر گونه ادعای الوهیت و تجلی خداوند باری تعالی در افراد از نشانه های غلو بوده و کاملاً از سوی قرآن مجید و تعالیم اسلام مردود است.



از نظر اسلام معاد از اصول دین و یکی از مهم ترین آن است، در اسلام مرگ مفهوم نیستی نداشته بلکه نوعی دگرگونی است. مرگ رسیدن به مرحله ای دیگر از زندگی است و در روایات توصیه به آماده شدن برای این سفر شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۶).

بر اساس آیات قرآن مجید، موضوع معاد شامل تمامی موجودات می شود و همه به سوی او (خدای متعال) باز خواهند گشت (روم، ۳۰؛ عنکبوت، ۲۹؛ یونس، ۱۰؛ انشقاق، ۸۴) بر اساس نظر اسلام معاد به دو گونه روحانی و جسمانی خواهد بود (پس آیات ۷۷-۸۲)

متکلمین دلایل متعدد و فراوانی را از آیات پر نور الهی و فرهنگ ناب محمدی (ص) بر اثبات معاد روحانی و جسمانی بیان نموده اند. لذا تردیدی بر تحقق وعده الهی و تخلف ناپذیری پادش مومنان و کیفر گناهکاران باقی نمی ماند. بر این اساس بهشت و جهنم وجود خارجی داشته و کسانی که در این واقعیت تشکیک کنند و یا آن را منکر شوند به زودی و برای همیشه حقیقت آن را خواهند یافت: وَعَذَّ اللَّهُ لَّا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ (زمر، ۲۰)

هروی به امام رضا (ع) می گوید: مرا از بهشت و آتش جهنم خبر ده که آیا آفریده شده اند؟ حضرت فرمودند. بله (آفریده شده اند). در هنگام عروج، پیامبر وقتی وارد بهشت شد، آنگاه آتش را دید. هروی می گوید به آن حضرت گفتم: کسی که منکر آفریده شدن بهشت و آتش باشد چگونه است؟ حضرت فرمودند پیامبر (ص) و ما را تکذیب کرده است و بهره ای از ولایت ما ندارد و در آتش جهنم جاویدان است. خداوند متعال می فرماید: این همان جهنمی است که مجرمان آن را تکذیب می کردند، آنان در میان جهنم و آب سوزان در رفت و آمدند (الرحمن، ۴۳-۴۱). (بحار الانوار، ۸: ۲۸۴)

بزرگان و حکمای امامیه به دو معاد جسمانی و روحانی اعتقاد داشته و مخالفت با آن را کفر و انکار نصوص قرآنی می دانند. بزرگان امامیه وجود قیامت و بهشت و جهنم را لازمه هدفداری دنیا، بر پایه عدل و رسیدن به کمال ضرورت برگشت نفس به مبدا و انتقال به دنیایی والا تر و برتر، فطری بودن و میل به جاودانگی می دانند.

در میان ادله و آیات فراوان قرآنی که امامیه از آنها در تایید قیامت و بهشت و جهنم بیان می دارند به چند آیه مغایر با نظرات فرقه دروزبان اشاره می گردد:

وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا (آل عمران، ۳)

و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشد. (و می گویند:) پروردگارا، این را بیهوده نیافریده ای منزه ای از (بیهوده کاری) ما را از شکنجه دوزخ باز دار.

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ (خدا [همان] کسی است که آسمانها را بدون ستونهایی که آنها را ببینید برافراشت آنگاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را رام گردانید هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می دهند [خداوند] در کار [آفرینش] تدبیر می کند و آیات [خود] را به روشنی بیان می نماید امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید (رعد، ۱۳).

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ؛ یا [مگر] کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده اند چون مفسدان در زمین می گردانیم یا پرهیزگاران را چون پلیدکاران قرار می دهیم (ص، ۲۸)

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيهِ لَأَرِيْبَ فِيهَا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ؛

قیامت خواهد آمد شکی در آن نیست، اما بیشتر مردم ایمان ندارند. (کهف، ۲۱)

«أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ» مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

مسلمانان را چون تبهکاران قرار می دهیم؟! شما را چه شده، چگونه داوری می کنید. (قلم، ۳۵)

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زُلْزَالَهَا \* وَأُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا

آن گاه که زمین به لرزش شدید خود لرزانده شود. و زمین بارهای سنگین خود را بیرون افکند (زلزال، ۹۹)

آیت اله جوادی عاملی در اثبات معاد ضمن اشاره به آیات الهی، برهانهای مستدل و احادیث و روایات در تفسیر موضوعی قرآن چنین می فرماید .:

«اگر انسان خداوند و توحید الهی را درست بشناسد در تحقق نبوت و معاد شکی نخواهد داشت زیرا معاد بازگشت انسان به خداست. خدایی که پیامبران را فرستاده است و پیامبرانی که جامعه را به معاد و توحید راهنمایی کرده اند. ممکن نیست کسی خداوند را درست شناخته شده باشد و در نبوت و معاد شکی داشته باشند. از این رو معرفت خدا ریشه همه معارف است.» (جوادی عاملی، ۱۳۸۶: ۱۳۷)

### ۲-۳- ادیان و شرایع:

وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ.

ما پیامبران را مژده دهنده و بیم دهنده می فرستیم، بنابراین کسانی که ایمان آورده و رفتاری شایسته در پیش گرفته اند بیمناک نبوده و اندوهگین نشوند. (انعام، ۴۸)

پیامبران واسطه پیام الهی و حاملان رسالت او برای بندگان می باشند این مقام موهبت الهی است که با نظر پروردگار به افراد عنایت می گردد و کاملاً گزینشی است و توفیق او را می طلبد امام صادق (ع) می فرمایند:

ما به وجود خدای حکیم عقیده داریم، خدا جسم نیست تا انسانها او را مشاهده و با او گفتگو کنند و راه هدایت از او فراگیرند و نیز همه انسانها این شایستگی را ندارند که از طریق وحی با خداوند ارتباط برقرار کنند پس خداوند باید سفیرانی داشته باشد که آنچه خیر و صلاح بشر است را به آنان بیاموزند و آنان پیامبران الهی اند. (کلینی، ۱۳۶۵: ۸۷)

امام رضا (ع) در باب فلسفه چنین فرموده اند:

«چون آفریدگار جهان قابل دیدن نیست و بدیهی است مردم نمی توانند با او تماس بگیرند چاره ای جز این نیست که پیام آوری داشته باشد برنامه او را به مردم ابلاغ کند...» (مجلسی، ۱۱: ۴۰)

خداوند از فرشتگان و انسانها، فرستادگانی برمی گزیند، به راستی که خدا شنوا و بیناست

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ

به راستی خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر تمام جهانیان برگزید رسالت الهی شامل تمام افراد بشر است، زیرا خداوند، پروردگار جهانیان است نه خدای یک ملت خاص (آل عمران، ۳۳)

وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اٰغْبُدُوا لِلّٰهِ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللّٰهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلٰلَةُ

تحقیقاً در هر امتی فرستاده ای بر انگیزیم که خدای یکتا را بپرستید و از پرستش طاغوت بپرهیزید، خداوند برخی از آنان را هدایت کرد و برخی به ورطه گمراهی افتادند. (نحل، ۲)

خداوند برخی از پیامبران را اولوالعزم خوانده و به حضرت محمد (صلی الله و آله و سلم) دستور داده تا در امر جهاد و پایداری از آنان پیروی کند.

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ

صبر و پایداری پیشه کن همان گونه که پیامبران اولوالعزم پایداری کردند (الحقاف، ۳۵)

دین اسلام ایمان به پیامبران را از ارکان اعتقادات اسلامی قرار داده است. در این زمینه خدای متعال می فرماید:

«قُولُوا آمَنَّا بِاللّٰهِ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَ مَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»

بگویند: به آنچه بر ما و ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و پیامبران بنی اسرائیل نازل شده و آنچه به موسی و عیسی داده شده و آنچه از سوی خداوند به دیگر پیامبران وحی شده است، ایمان آوردیم، هیچ تفاوتی میان آنان قائل نیستیم و تسلیم خداییم. (بقره، ۱۳۶)

« انکار وحی به معنای انکار هدف و فلسفه آفرینش است، بنا براین انکار وحی و نبوت در حقیقت انکار توحید است و کسیکه توحید را پذیرفته باشد و جهان را مخلوق اراده و شعور بداند از نظر علمی نمی تواند منکر وحی گردد». (محمدی ری شهری: ۵۴/۱۳۶۲)

اعتقاد به همه پیامبران، عقیده به جریان پیوسته تاریخی است، که بین دو جناح حق و باطل که از ابتدای تاریخ وجود داشته و تا پیروزی نهایی حق بر باطل ادامه خواهد داشت. لذا عقیده به نبوت یکی از ارکان اصلی ایدئولوژی اسلامی است و منکرین از ورطه اسلام خارجند...

#### ۴-۲ - تقمص و تناسخ :

این عقیده مذهبی که بیشتر غالیان شیعه را به خود جذب کرده و موجب شده تناسخ به شیعه نسبت داده شود. اما نظر امامیه بر این است که معاد برای آینده روح بشر وجود دارد نه تناسخ و حلول مجدد بلکه ارواح در قیامت مجدداً به جسم خود باز گشته و کيفر اعمال خویش را می بیند اگر چه خداوند در قرآن زنده شدن مردگان و مسخ شدن گروه باطل به بوزینه و خوک را بیان می کند ولی اینها با آنچه معتقدین به تناسخ می گویند متفاوت است در تفاسیر نیز تناسخ مطلقاً نفی شده است

از نظر اسلام، تناسخ فرضیه ای است باطل و محال زیرا هم مخالف عقل است و هم ضد تکامل، زیرا بدنی که این روح می خواهد به آن منتقل شود یا خودش روح دارد و یا ندارد. اگر روح دارد مستلزم آن است که یک بدن دارای دو روح بشود (روح خودش و این روحی که وارد شده است) و این همان وحدت کثیر و کثرت واحد است که محال بودنش معلوم است. و اگر نفس و روحی ندارد مستلزم آن است که چیزی (روحی) که به فعلیت رسیده و کمال پیدا کرده، دو باره بر گردد و بالقوه شود و محال بودن آن روشن است و همچنین است اگر بگوئیم که نفس تکامل یافته ی یک انسان بعد از جدایی از بدنش به بدن گیاه یا حیوانی منتقل شود، زیرا این مستلزم بالقوه شدن چیزی است که به فعلیت رسیده است.

از نظر آیات و روایات هم روح انسان پس از مردن، از بدنش جدا شده و در عالم برزخ، داری حیات برزخی (بدون مصاحبت با جسم و بدن خاکی) است و روز قیامت که به فرمان الهی همه انسانها زنده می شوند این روح مجدداً به بدن بر می گردد و انسان برای رسیدگی به اعمالش یا همین بدن وارد محشر می شود.

خداوند در سوره مومنون چنین می فرماید:

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ (۹۹) لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ (مومنون، ۹۹-۱۰۰)

آنها همچنان به راه غلط خود ادامه می دهند تا زمانی که مرگ یکی از آن ها فرا می رسد می گوید: پروردگارا مرا بازگردان، باشد که در آنچه ترک کرده ام عمل صالح انجام دهم. حاشا که بازگردد، همانا سخنی که او می گوید و هیچ فایده ای ندارد. از پس سرشان برزخ است تا روزی که برانگیخته شوند

#### در سوره یس هم می خوانیم:

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ (۵۱) قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ (۵۲) إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً ً وَاحِدَةً ً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ (یس، ۵۳-۵۱)

و در صور دمیده شود، ناگهان آن ها از قبرها، شتابان به سوی پروردگارشان می روند (۵۱) می گویند ای وای بر ما چه کسی ما را از خوابگاهمان بر انگیخت؟ (آری) این همان است که خداوند رحمان وعده داده است و فرستادگان او راست گفتند. (۵۲) صیحه واحدی بیش نیست، ناگهان همگی نزد ما حاضر می شوند. (۵۳)

در کنار این ها وجود عالم برزخ در تضاد کامل با تناسخ است

همچنین در میان روایات حدیثی از امام رضا (ع) است که می فرمایند:

من قال بالتناسخ فهو كافر بالله العظيم يكذب بالجنة و النار

هرکس قایل به تناسخ باشد نسبت به خدا کافر شده و بهشت و جهنم را تکذیب نموده است (شیخ صدوق، ۱۳۹۲: ۲۰۰). ملاصدرا نیز پس از ذکر اصول خود در رد تناسخ، این گونه نتیجه میگیرد: همین بدن دنیوی در روز قیامت محشور می شود، در غیر صورت، بیشتر قوای نفس از رسیدن به غایت خود باز خواهند ماند، چرا که برای هر یک از قوای نفس کمالی است مخصوص به آن قوه و لذت و المی (ملایمت و منافرتی) است لایق به آن. در طبیعت تعطیل و سکون راه ندارد، لذا کل عالم طبیعت به سمت غایت خود در حرکت است و هر موجودی به گونه ای مناسب محشور میشود (ملا صدرا، اسفار/۱/ ۱۹۷- صدرا در کتاب زادالمسافر با تفصیل بیشتری، از اصول مذکور این گونه نتیجه می گیرد: نفس و بدن انسانی در اثر حرکت جوهری به سوی آخرت در حرکت است. تبدلاتی که در بدن انسان رخ میدهد، با بقاء اصل و شخص بدن منافات ندارد، چرا که تشخص بدن به نفس است. از آنجائی که وجود اصیل و قابل تشکیک است. تفاوت عالم دنیا با عالم برزخ و قیامت به مراتب است و در تمام این مراتب شخص بدن باقی است. نفس حیوانی و قوه خیال مجردند و لذات و المهای که انسان در آخرت مشاهده میکند، از ذات وجودش خارج نیست و مبدأ آنها نیات، ملکات و صور حاصل در ذات نفس است. آنچه را نفس به آن اشتیاق دارد و تصور میکند، در نزدش حاضر میشود (ملاصدرا، ۱۳۹۲: ۲۷۵/۱)

#### ۵-۲ - حدود دعوت:

از آنجا که موضوع حدود دعوت در عقیده دروزیان منبعث شده از موضوع اعتقاد به الوهیت است به طوری که آفرینش اولین حد یعنی عقل کلی به امر خالق بالبار بوده و سپس او را علت همه مخلوقات قرار داده است. لذا با رد قائل شدن هر گونه الوهیت برای غیر پروردگار متعال بدیهی است حدود منشعب شده مطروحه نیز باطل و مردود می باشد. حلول خدا در غیر در متون کلامی نیز رد شده است.

غزالی می گوید « تبعیت در تسخیر بر خدای متعال است. زیرا خدا منزله است از اینکه جایی را اشغال کند یا به جهتی اختصاص داشته باشد و هم تبعیت در قیام، زیرا تبعیت در قیام مستلزم نیازمندی اوست و این با قیام بالذات خداوند سازگار نیست» (غزالی، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۶۸)

و باز می فرماید: « حلول تنها برای اجسام و اعراض ممکن است، در حالیکه خدا نه جسم است نه عرض (همان، ۱۳۷۵: ۱۶۸) ملا صدرا نیز حلول و اتحاد را کاملاً رد کرده است:

« وحدت حقه حقیقیه جایی برای دویی باقی نمی گذارد، در حالیکه حلول و اتحاد مستلزم دویی در اصل وجود است» (صدر الدین، ۱۳۶۲: ۳ / ۱۱۰)

ابن عربی نیز در فتوحات مکیه، حلول خدا را در غیر انکار کرده و ساحت خدا را منزله از حلول و مکان محل دانسته ..... «حلول مستلزم دوگانگی است ولی چون وجود واحد است و وجود واحد مطلق، که چیزی جز هویت الهیه نیست. در تمام کائنات و ممکنات مقید ساری است.

اصل ثنویت و دوگانگی وجود ندارد تا حلول و اتحادی در کار باشد بلکه وحدت حاکم است» (ابن عربی، ۱۳۸۱: ۱۶۰/۲) در بحث خلقت و واگذاری امور به عقل کلی و... و غیبت خداوند به جهت کفر انسانها به نوعی منکر اذن خداوند در تاثیر امور مخلوقات است، در صورتیکه قرآن مجید آثار نامهای طبیعی و غیر طبیعی را به خداوند نسبت می دهد. آیت الله مصباح یزدی می فرماید: « مخلوقات الهی در کارهای خودشان نیز بی نیاز از خدای متعال نیستند و تاثیرهایی که در یکدیگر دارند به اذن خدا و در سایه نیرویی است که خدای متعال به آنها عطا فرموده است. (مصباح ۱۳۶۸ / ۱۳۷)

از نظر اسلام مخلوقات در همه شئون وجودی خود فقط و فقط وابسته به خدای متعال هستند و این امر صرفاً شامل خلقت ایشان می شود و.....

#### ۶-۲ - غیبت و رجعت:

بر خلاف عقاید دروزیان، امامیون اصل امامت و وجود امام معصوم در هر عصر و زمانی را امری مسلم و قطعی می‌دانند و امامت معصوم را تتمه هدف ارسال رسل انبیاء و نیز هدف خلقت و آفرینش می‌دانند. در حقیقت تحقق اهداف عالی اسلام در امامت تجلی یافته و آینده خلقت و بشریت و رسالت انبیاء و اولیاء در مهدویت به ثمر خواهد نشست.

قرآن مجید ضمن مژده به بشریت، پیروزی نهایی حق بر باطل و پیروزی جهانی دین اسلام را در ظهور مهدی موعود (عج) اعلام می‌دارد.

(الیوم اکملت لکم دینکم و اتمت علیکم نعمتی و...)

و در این روز است که کامل‌ترین دین (اسلام) و حضور بالا‌ترین نعمت الهی یعنی امام زمان (عج) ظهور و بروز خواهد یافت. مفسرین شیعه آیات بسیاری از قرآن را مربوط به امام زمان بیان نموده‌اند.

امام صادق علیه السلام در تفسیر سوره رعد آیه ۷ می‌فرماید: «در هر زمانی امامی از خاندان ما وجود دارد که مردم را به آنچه رسول خدا آورده هدایت می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵، ۲۱)

علما با استناد به ادله‌های متقن روایی و قرآنی و عقلی امامت را در عصر حاضر مختص فرزند امام حسن عسگری (ع) یعنی حضرت مهدی (عج) اعلام داشته‌اند که به برخی از آیات و روایات مربوطه اشاره می‌گردد.

«الذین یومنون بالغیب و یقیمون الصلاه و مما رزقناهم ینفقون» یعنی آنان که به غیبت ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می‌کنند. (بقره، ۳)

و در تفسیر آن چنین بیان می‌شود که شیخ صدوق در کتاب کما الدین از حضرت امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: هر کس اقرار به ظهور امام زمان کند ایمان به غیب آورده است.

متقین در این آیه شریفه شیعیان علی هستند و (غیبت) حجت غایب است. دلیل این معنی آیه فقل انما الغیب الله فانتظرو انی معکم من المنتظرین (یونس، ۲۰) یعنی: ای پیغمبر بگو غیبت مال خداست پس منتظر باشید که من نیز با شما از منتظرانم در این آیه گروهی دیگر از مفسران حضرت مهدی را از مصادیق «یومنون بالغیب» دانسته و یکی از ویژگی‌های آن حضرت را غیب بودن او قلمداد کرده‌اند. برخی دیگر از مفسران روز رجعت را از لحاظ اینکه از اموری است که از نظر ما غایب است مصداق آیه شریف دانسته و ایمان به غیبت در «یومنون بالغیب» را ایمان به رجعت دانسته‌اند (صدوق، ۱: ۵۶)

و همچنین در آیه «و من الناس من یقول آمنا بالله و بالیوم الاخر و ما هم بمؤمنین» یعنی: برخی از مردم می‌گویند ما به خدا و روز واپسین ایمان آورده ایم ولی گروندگان راستین نیستند (بقره، ۸۶)

جمعی از مفسرین قائل به این هستند که عبارت و بالیوم الاخره در زمینه مهدویت و روز رجعت یا روز امام مهدی (عج) می‌باشد.

تلك الايام نداولها بین الناس (یعنی این روزها را میان مردم می‌گردانیم).

امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «از زمان خلقت آدم همیشه دولتی از خدا و دولتی از شیطان بوده و پس در این زمان دولت خدا کو؟ آگاه باشید که صاحب دولت خدا قائم آل محمد (ص) است.

و یا هم چنین در سوره مائده آیه ۱۴ می‌خوانیم:

یا ایها الذین آمنو کونوا قوامین لله شهدا بالقسط (یعنی ای کسانی که ایمان آوردید برای خدا به داد برخیزید و به عدالت شهادت دهید). صاحب تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن در تبیین مفهوم قوامین به عنوان یکی از لقب‌های حضرت مهدی اشاره کرده است.

با نگاه به ادله روایی به حجیت مهدی موعود (عج) بیشتر پی می‌بریم.

پیامبر اسلام در روایات گوناگون، به ظهور منجی عالم بشریت از نسل خود از طریق حضرت فاطمه، امام علی (ع) و امام حسین (ع) تاکید می‌کرد:

«تسعه من ولد الحسین تساعهم قائم امتی، یملاً الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً» (صدوق، ۴۸۳/۱/۱۳۴۸)

«التاسع منهم قائم اهل بیتی» (همان، ۴۸۴)

حضرت علی علیه السلام می فرماید :

« فَكَرْتُ فِي مَوْلُودِ يَكُونُ مِنْ ظَهْرِي الْحَادِي عَشْرَ مِنْ وَلَدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا جُورًا وَظُلْمًا »

( صدوق ، ۱۳۸۴ : ۱ / ۵۳۹ )

مرحوم علامه طباطبایی (ره) می گوید : « الامام هو الذی یقتدی و یأتم به الناس ..... » امام کسی است که مردم به او اقتداء می کنند و در کردار و گفتار ، از او پیروی می کنند . برخی از مفسران گفته اند : ( مراد از امام ) همان نبوت است ، زیرا نبی کسی است که امتش در مسائل دینی به او اقتداء می کنند ( ایشان می گوید : این سخن مفسران ، نا صواب است . شاهد سخن اینجا است که علامه می گوید منشاء این گونه تفاسیر نا مربوط ، عدم فهم صحیح امامت از منظر قرآن است که گروهی ، آن را نبوت و بر خی ( مطاع بودن ) وعده ای به معنای خلافت و وصایت و ریاست امور دین دنیا تفسیر کرده اند . در منطلق قرآن ، هر جا امامت طرح شده است ، در کنارش ، هدایت هم مطرح است :

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يُهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ

و باز چنین بیان می کند :

امام کسی است که مردم را در روز قیامت به سوی خدا سوق می دهد ، همان طور که آنان را در ظاهر و باطن این دنیا رهبری کرد . آیه شریفه ، این نکته را نیز می رساند که هیچ زمانی ، نمی تواند بدون امام باشد. به خاطر این که فرموده : « کل اناس » همه مردم در همه زمان ها ، نکته ای که استفاده می شود آن است که زمین مادامی که انسان در آن وجود دارد ، از امام و حجت حق خالی نمی شود . ( طباطبایی ، ۱۳۷۴ : ص ۳۷۶ )

آیت الله مصباح می فرماید : با توجه به اینکه امامت ، متمم نبوت و تحقق بخش حکمت خاتمیت است پس این هدف به وسیله آخرین امام ، تحقق خواهد یافت و در تاییدیه به این حدیث نبوی استناد می نمایند .

مهدی از عترت من و از فرزندان فاطمه است و نیز در این حدیث پیامبر (ص) فرمودند : همانا علی امام امت بعد من است و فرزندان او قائم منتظر می باشد و وقتی ظهور می کنند زمین را پر از عدل و داد می سازد چنانکه پر از ظلم و جور شده است . ( مصباح ، ۱۳۶۸ : ۳۳۲ )

### نتیجه گیری :

فرقه دروزی که از فرق غالی منشعب شده از اسماعیلیان می باشد با توجه به اینکه بنیان گذاران این فرقه خود را شیعه می دانند دارای اعتقادات خاصی می باشند این فرقه با آغاز حکومت ششمین خلیفه فاطمی شکل گرفت.

بر اساس مطالعات صورت گرفته در خصوص عقاید آنان و تطبیق آن با امامیه به این نتیجه خواهیم رسید که امامیه آراء و عقاید دروز را مطابق با قرآن و سنت ندانسته و برای این مدعای خویش ادله فراوانی ارائه داده است .

در بحث الوهیت که مهمترین مبحث خلقت اعتقاد به الوهیت است و بر خلاف اعتقاد دروزیان که قائل به الوهیت الحاکم بامرالله بودند و می گفتند خداوند در جسم او حلول نموده است، امامیه معتقد است تنها کسی که مستحق عبادت است خدای باری تعالی است که خود، خالق است نه مخلوق.

در خصوص نبوت از نظر امامیه وجود پیامبران و مبعوث کردن آنها از سوی پروردگار امری ضروری بوده و هدف از خلقت انسان و عدل الهی حکم می کند که خداوند سفیرانی را از سوی خود جهت هدایت انسانها و نیل ایشان به کمال حقیقی و سعادت گسیل داشته باشد.

به بیان دیگر از آنجا که قوانین بشری چاره ساز مسائل و مشکلات بشری نیست لذا خداوند متعال از طریق نبوت تعالیم لازمه را از طریق آنان ارزانی می دارد.

در خصوص تناسخ و یا تقمیس امامیه معتقد است که بر اساس پیامهای فراوانی که از پیامبران در زمانهای مختلف به ما رسیده قضای الهی بر این است که روح بشر پس از مرگ انسان به دنیا باز نمی گردد بلکه در برزخ می ماند تا روز قیامت و حسابرسی فرا برسد و نتیجه ی عملکرد سرای فانی را در آن دنیا ببیند که یا مستحق کیفر است و یا مستحق جزا و پاداش نیک می باشد.

و نیز در بحث رجعت با توجه به اینکه مسئله رجعت و ظهور منجی در همه ادیان و فرق مذاهب وجود دارد اما باور دروزیه به بازگشت الحاکم ششمین خلیفه ی فاطمی پس از سالها حکومت و سپس غایب شدن است که همراه حمزه و مقتنی که آنان نیز حکومت کرده و سپس غایب شدند می کند این لاوربا مسئله و مفهوم رجعت در امامیه مغایر است و شیعه معتقد به ظهور منجی عالم بشریت است که به عنوان خاتم الاوصیا خواهد بود و پیام حضور و ظهورش را هم قرآن و هم پیامبران و هم ائمه عنوان نمودند .

و در مبحث نظریه ی قیامت دروزیه که باور دارند که روح انسان سیر تکاملی دارد و رستاخیز مفهوم بیهوده است . آنان قیامت را که فراگیر شدن توحید دانسته، به نفی بهشت و جهنم پرداخته اند در واقع قیامت را بازگشت و پیروزی مطلق الحاکم تعبیر می شود در حالیکه امامیه در باب قیامت قائل به این است که مرگ پایان زندگی نیست بلکه از مرحله ای به مرحله دیگر است .

در نهایت می توان گفت بنیان گذاران این فرقه بیشتر به دنبال بر پا کردن حاکمیت قدرتمند خویش بودند و برای دست یافتن به این منظور از دو شیوه بهره بردند یکی آنکه کسانی که به این فرقه گرایش پیدا می کنند بایستی تمام ادیان قبلی را منسوخ شده دانسته و سپس به جهت اینکه بتوانند به راحتی در بین مذاهب و فرقه های دیگر زندگی دینی خود را داشته باشند از تقیه بهره بردند . البته باید توجه داشت که دروزیان امروزی خود را مسلمان و شیعه معرفی می کنند و از این اعتقادات که به وسیله استعمار دامن زده شده، تبری می جویند.

## منابع:

(الف) کتب:

- ۱- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه دشتی
- ۳- ابن سیرین، حامد، مصادره العقیده الدروز، نشر دارالعلم، لبنان، ۱۹۸۵.
- ۴- انصاری کرمانی، مهدی، کتاب شناسی اسماعیلیه، نشر فوژان، تهران، ۱۳۸۳.
- ۵- ایمانی، علیرضا، اسماعیلیه، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ج ۱، ۱۳۸۰ ه
- ۶- انصاری کرمانی، مهدی، کتاب شناسی اسماعیلیه، نشر فوژان، تهران، ۱۳۸۳.
- ۷- بدوی عبدالرحمن ، تاریخ اندیشه های کلامی در اسلام ترجمه حسین صابری ، مشهد ، آستان قدس، ۱۳۷۶.
- ۸- بستانی، فواد، فرهنگ جدید عربی به فارسی، نشر همسو، تهران، ۱۳۸۶.
- ۹- جوادی آملی، عبد... ، ولایت در قرآن، نشر رجایی چ ۳، تهران، ۱۳۶۹.
- ۱۰- جوادی آملی، عبد...، تفسیر موضوعی قرآن (معاد در قرآن)، نشر اسراء، قم، ۱۳۸۶.
- ۱۱- خطیب، محمد احمد، عقیده الروز، دارالعلم، ریاض، ۱۹۸۹.
- ۱۲- خطیب، محمد، ترجمه مشکاه المصابیح، نشر فاروق، زاهدان، ۱۳۹۰.
- ۱۳- دستغیب، عبدالحسین، قیامت و قرآن، نشر صبا - تهران، ۱۳۶۰
- ۱۴- دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای، تهران، نشر فروزان، ۱۳۷۵.
- ۱۵- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، نشر دارالعلم، ۱۴۱۲.
- ۱۶- شیخ صدوق، ابن بابویه قمی، ترجمه احمد بانپور، نشر راز توکل، تهران، ۱۳۹۲
- ۱۷- ربانی، گلپایگانی، علی، فرق و مذاهب کلامی، قم، مرکز نشرالمصطفی، ب ح ۷، ۱۳۹۳.
- ۱۸- صدرالدین، محمد، مبداء و معاد، ترجمه محمد اردکانی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲
- ۱۹- طباطبائی، محمد حسین، تفسیرالمیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، نشر اسلامی، قم، ۱۳۷۴.

- ۲۰- طباطبایی، محمد حسین، آموزش دین، نشر حوزه، قم، چ ۱، ۱۳۶۲. - کلینی، کافی، تهران، دارالکتب اسلامی، ۱۳۶۵، ج ۱.
- ۲۱- کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه مهدی حقی، نشر بین الملل، نشر بین الملل چ ۱۶، ۱۳۸۷.
- ۲۲- گروه مذاهب اسلامی، اسماعیلیه (مجموعه مقالات)، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، وح، قم، ۱۳۸۱.
- ۲۳- غزالی، ابوحامد، المقصد الحسنی، ترجمه احمد حواری نسب، همسفر، تهران، ۱۳۷۰.
- ۲۴- محمدی ری شهری، محمد، مقدمه ای بر شناخت خدا، نشر کتاب، ۱۳۶۱.
- ۲۵- محمدی ری شهری، محمد، فلسفه وحی و نبوت، نشر کتاب، ۱۳۶۱.
- ۲۶- محی الدین، ابن عربی، فتوحات مکیه، ترجمه محمد خواجوی، نشر مولوی، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲۷- مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، سازمان تبلیغات، چ ۱، تهران، ۱۳۶۸.
- ۲۸- مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، نشر بین الملل، تهران، ۱۳۷۷.
- ۲۹- مطهری، مرتضی، کلیات علوم اسلامی، نشر صدرا، تهران، ۱۳۸۳.
- ۳۰- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، مکتبه الاسلامیه، بیروت، نشر الوفاء، ۱۴۰۳.
- ۳۱- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، نشر دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.
- ۳۲- کلینی، ابی جعفر، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۶۵.
- ۳۳- کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه مهدی حقی، نشر بین الملل، نشر بین الملل چ ۱۶، ۱۳۸۷.
- ۳۴- گروه مذاهب اسلامی، اسماعیلیه (مجموعه مقالات)، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۱.
- ۳۵- نجار، عبدالله، مذهب الدررالتوحید، نشر دارمختارات، مصر، ۱۹۶۵.
- ۳۶- نجلا، ابوغرالدین، تحقیقی جدید در تاریخ، مذهب و جامعه دروزیان، مشهد، آستان قدس، چ ۱، ۱۳۷۲.
- (ج) مجلات:
- ۱- گوکبیگلین، طیب، مقاله دروزیها در تاریخ، مجله کیهان اندیشه، آذر و دی ۱۳۶۹.
- ۲- متولیان، عباسعلی، مقاله کاوشی در تاریخ و عقاید دروزیان منطقه شامات، بهار ۱۲۹۳.
- ۳- ملکی، محمد حسن، مقاله مهدی موعود (عج) فرزند امام حسن عسکری (ع)، مجله کتاب نقد، پاییز ۱۳۸۸.
- ۴- نصر، مرسل، مقاله موحدان دروز، نشریه هفت آسمان، بهار ۱۳۷۸.